

از نگاه منتقد

متاسفانه حالادیکر اینارتیتورامی‌شناسم

محسن سیف

● به ماهواره وصل نیستم و خیلی سرکوفت شنیدم از دوستان و همکاران نزدیک، بنابراین دوزاری اخبار جدید خیلی دیر در ذهنم می‌افتد، انگار باید با جماعت جهان هم‌رنگ شد. زمانی که فیلم بیوتیفول Beautiful را دیدم، هیچ شناختی از کارگردان و عوامل سازنده نداشتم، گفتم چه فیلم زیبایی، تنها چهره بازیگر فیلم آشنایی می‌داد که از فیلم پیرمردها... در حافظه‌ام بود. فکر می‌کنم یک یا دو فیلم دیگر هم از کارگردان این فیلم دیده بودم و هنوز هیچ شناختی از نام او نداشتم؛ «ایناریتو». فقط می‌گفتم چه فیلم‌هایی. حتی در یک جلسه عمومی و رسانه‌ای هم وقتی دوستی نام ایناریتو را روی ورقه نوشت، برایم ناشناس بود. حتی اشتباه تلفظ کردم اما تا آن‌موقع بیوتیفول را چندبار دیده بودم و جزو فیلم‌های محبوب آن روزها بود. آینده سینمای جهان را پیش‌روی این فیلمسازهای ناشناخته و جدید می‌دیدم. فکر می‌کردم پولانسکی محبوب، ایستوود، هانکه، مایکل مان، دیوید لیچ، نولان، اسپیلبرگ، تیم برتون و تارانتینوی که خیلی دوست داشتم، رقبای سرسختی پیدا کرده‌اند، بی‌آنکه نام این رقبای را بدانم، از دیدن آثارشان لذت می‌بردم. حالا کم‌کم و به‌عمد، عنوان‌بندی فیلم‌ها را رد می‌کنم تا نام آشنای کارگردان در قضاوتم تأثیر نگذارد. خیلی فیلم‌ها را دیده‌ام و به دوستان سفارش دیدن می‌دهم. در کمال شگفتی می‌گویند خب فیلم فلان کارگردان است اما من برمیثای خود فیلم، دآوری کرده‌ام نه به اعتبار کارگردان. متاسفانه حالا دیگر ایناریتو را می‌شناسم و فرصت کشف تازه‌ای نمی‌ماند. دوراودر خبرهایی درباره اسکار می‌شنیدم و می‌خواندم. درباره فیلم بردمن هم کمابیش چیزهایی می‌خواندم. حدس می‌زدم... اصلا ته دلم دوست داشتم اسکار به سازنده بیوتیفول برسد که گویا رسید. هنوز هم اتصال به شبکه‌های ماهواره‌ای را دوست ندارم و از این تحجرگرایی خیلی سرکوفت می‌شوم اما برای سردآوردن از اخبار جدید جهان باید یک جورهایی خودم را به شبکه‌های ماهواره‌ای وصل کنم.

امیرمحقق؛ با برپایی مراسم اسکار، فصل جوایز سینمایی آمریکا پایان یافت و جهان را در شگفتی فروبرد؛ نه‌تنها از اینکه جنگ‌طلب‌ترین فیلم امسال یعنی «تک‌تیرانداز آمریکایی» از رده برگزیدگان دور ماند که جایزه بهترین مستند به فیلمی داده شد که درباره افشاگری‌های ادوارد اسنودن است. اولین ساعات صبح دیروز ۲۲ فوریه، سالن کدک‌دالبی‌تیه‌تر لس‌آنجلس میزبان بزرگ‌ترین و معتبرترین جوایز سینمای جهان بود که به‌عنوان مترومعیاری برای هنر هفتم محسوب می‌شود. برنده اسکار امسال فیلم «بردمن» به کارگردانی آلفاندرو ایناریتو و با بازی مایکل کیتون بود که در رقابتی تنگاتنگ با فیلم تجربه‌گرایی «پسرچگی»، گوی سبقت را ربود و دست پر از کدک‌تیه‌تر بیرون آمد. بردمن توانست بالاترین جایزه اسکار را به دست آورد و بهترین فیلم سالی که گذشت لقب بگیرد. در شاخه بهترین فیلم، علاوه‌بر بردمن، فیلم‌های «پسرچگی»، «تک‌تیراندازآمریکایی»، «بازی تقلید»،

«هتل بزرگ بوداپست»، «سلما»، «توری همه‌چیز» و «ضربه شلاق» نامزد بودند. بردمن، داستان بازیگری فراموش‌شده است که سال‌ها قبل نقش یک ابرقهرمان را در یک فیلم بازی کرده و حالا پس از سال‌ها قصد دارد با ایفای مجدد این نقش، روی صحنه تئاتر، محبوبیت و شکوه گذشته‌اش را به دست بیاورد. ایناریتو هم برای ساخت این فیلم توانست مجسمه طلایی بهترین کارگردان را به دست آورد و هنگام دریافت جایزه‌اش در مورد اینکه امسال دومین‌بار متوالی است که یک مکزیکی این جایزه را می‌گیرد شوخی کرد. در بخش بازیگری، اسکارها تقریبا طبق پیش‌بینی تقسیم شدند. ادی ردلاین برای بازی کم‌نظیرش در نقش پروفیسور استیفن هاوکینز در فیلم «توری همه‌چیز»، مایکل کیتون را شکست داد و توانست بر اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد بوسه بزند. جولین مور هم که برای فرورفتن در نقش یک زن مبتلا به آلزایمر در «هنوز آلیس» در فصل جوایز یکه‌تاز بود. اسکار نقش اول زن را هم به افتخارتاش اضافه کرد. نکته جالب این است که هردو بازیگر نقش اول، به‌خاطر بازی در نقش فردی درگیر با بیماری، اسکار را به دست آوردند. جایزه بهترین بازیگر مکمل مرد و



بوسه «ایناریتو» بر مجسمه طلایی

«اسکار» مستقل‌ها

زن هم به‌ترتیب به جی‌کی سیمونز برای فیلم بی‌ادعای «ضربه شلاق» و پاتریشیا آرکت برای «پسرچگی» رسید. سخنرانی آرکت بعد از دریافت جایزه‌اش، که در این بخش مریل استریپ کهنه‌کار را در نوزدهمین نامزدی اسکارش شکست داده بود، از نکات جالب‌توجه مراسم دیروز بود: «این جایزه را تقدیم می‌کنم به تمام زنانی که مالیات‌دهندگان و شهروندان این ملت را به دنیا آورده‌اند. ما برای حقوق برابر دیگران جنگیده‌ایم، حالا نوبت ماست که دستمزد برابر را یک‌بار و برای همیشه به دست بیاوریم و برای حقوق برابر زنان در آمریکا بجنگیم.»

ایناریتو اما باز هم برای دریافت اسکار روی صحنه آمد و جایزه بهترین فیلمنامه اریچینال را هم از آن خود کرد. از دیگر جایزه‌هایی که به بردمن رسید، اسکار بهترین فیلمبرداری بود. امانوئل لویتسکی، به‌خاطر فیلمبرداری بدیع و خلاقانه‌اش در این فیلم، عنوان بهترین کارگردان در اسکار را که سال قبل هم به‌خاطر فیلم «جاذبه» به خود اختصاص داده بود، تکرار کرد.

فیلم مستقل دیگری که امسال، حضور پررنگی در اسکار داشت، «هتل بزرگ بوداپست» است. این فیلم در چهار شاخه فنی، اسکار کسب کرد که عبارتند از

بهترین طراحی صحنه، بهترین طراحی لباس، بهترین موسیقی متن و بهترین طراحی گریم. فیلم «ضربه شلاق» هم در شاخه‌های بهترین صداگذاری و بهترین تدوین برگزیده شد. گراهام مور نویسنده توانست برای نگارش فیلمنامه «بازی تقلید» که آن را براساس کتاب زندگینامه آلن تورینگ – ریاضیدانی که در جنگ جهانی دوم نامه‌های کدگذاری‌شده را رمزگشایی می‌کرد– نوشته است، اسکار بهترین فیلمنامه اقتباسی را کسب کند.

در بخش بهترین مستند بلند نیز مستند جنجالی «شهروند شماره چهار» لقب بهترین مستند سال را به خود اختصاص داد. «شهروند شماره چهار» در مورد زندگی ادوارد اسنودن، کارمند سابق سیاست است که علیه این سازمان، دست به افشاگری می‌زند. این یکی از غافلگیری‌های اسکار امسال بود چراکه این فیلم درباره مردی بود که دولت آمریکا را به چالش کشاند. درام لهستانی «آیدا» به کارگردانی پاول پاولیکوفسکی هم برگزیده بهترین فیلم خارجی امسال بود.

طبق روال سال‌های گذشته، شرکت پیکسار باز هم در اسکار موفق شد و یک اسکار بهترین انیمیشن بلند دیگر را به‌خاطر «قهرمان بزرگ شماره

۶» به گنجینه پرویمان اسکارهای انیمیشنش اضافه کرد.

درام «تک‌تیرانداز آمریکایی» به کارگردانی کلینت ایستوود هم که با فروش خیره‌کننده‌اش، از پرسودترین فیلم‌های حاضر در بین نامزدهای اسکار بود، منتخب بهترین طراحی صدا شد.

اسکار بهترین جلوه‌های ویژه هم به «میان‌ستاره‌ای» اثر کریستوفر نولان (که غیبتش میان نامزدهای بهترین کارگردانی عجیب بود) رسید.

در بخش فیلم‌های کوتاه داستانی، مستند و انیمیشن نیز به‌ترتیب فیلم‌های «تماس تلفنی»، «خط تلفن بحران: کهنه‌کارها شماره ۱ را بزنند» و انیمیشن «مهرمانی»، انتخاب آکادمی اسکار بودند.

اما فیلم سیاه‌پوستی «سلما» که به‌خاطر نامزدنشدن بازیگر نقش اول مرد و کارگردانش، در این مدت انتقادات زیادی را به اسکار وارد کرده بود و

خیلی‌ها آکادمی را به نژادپرستی متهم کرده بودند، توانست یک جایزه فرعی برای بهترین موسیقی فیلم به دست آورد. اجرای مراسم اسکار امسال برعهده نیل پاتریک هریس، بازیگر آمریکایی سریال معروف «آشنایی با مادر» بود.

مهم‌ترین جوایز اهداشده در اسکار:
بهترین فیلم: «بردمن»، بهترین کارگردانی: آلفاندرو ایناریتو برای «بردمن»، بهترین فیلمنامه اریچینال: آلفاندرو ایناریتو، نیکلاس جیاکوبونه، الکساندر دینلاریس و آرماندو بو برای «بردمن»، بهترین فیلمنامه اقتباسی: گراهام مور برای «بازی تقلید»، بهترین بازیگر نقش اول مرد: ادی ردلاین برای «توری همه‌چیز»، بهترین بازیگر نقش اول زن: جولین مور برای «هنوز آلیس»، بهترین بازیگر مکمل زن: پاتریشیا آرکت برای «پسرچگی»، بهترین فیلمبرداری: امانوئل لویتسکی برای «بردمن»، بهترین تدوین: تام کراس برای «ضربه شلاق»، بهترین طراحی صحنه: آدام استوک هاوسن و آنا پیونگ برای «هتل بزرگ بوداپست»، بهترین طراحی لباس: میلنا کاتونرو برای «هتل بزرگ بوداپست»، بهترین مستند بلند: «شهروند شماره چهار»، بهترین مستند کوتاه: «خط تلفن بحران: کهنه‌کارها شماره ۱ را بزنند»، بهترین فیلم کوتاه: «تماس تلفنی».



یشت بوم

هنر را زندانی نکنیم



حسین عبد الهاشم پور

● ۱- غریب‌تر از این نخواهید دید و شنیدن؛ طیفی هنر را تهدید بداند و خواهان تحدید هنرمند باشد. در هر جای این کره خاکی، هنر فصل همدلی و آشتی است و عجیب است در ایران مهد شعر و ادب و موسیقی، هنر محل مناقشه شده است. خبر تهدید هنر به عدم انتشار، لغو توقیف، تحدید وزارت‌فرهنگ یا دولت نیست؛ این آسیبی جدی به حیثیت بین‌المللی ایران است؛ این خبری نیست که بتوان از دوربین‌های زوم‌شده به ایران پنهانش کرد؛ هنر ایران از منظرهای مختلف، آوازه جهانی دارد و هیچ شهروندی در این جهان به هیچ‌وجه درک نمی‌کند هنرمند زن با وجود رعایت تمامی موازین شرع و عرف، نتواند در شهر و کشورش روی صحنه ساز بزند؛ همین قصه تلخ در سینما، تئاتر، کتاب... درحال تسری است. دردودل‌های وزیرفرهنگ در آیین اختتامیه جشنواره موسیقی فجر، سرریز خون دل‌هایی است که همه این سالیان، هنرمندان خورده‌اند، اما چنین برمی‌آید که «زور» تحدید خوانان که از منظر عدد در اقلیت مطلق می‌ی‌چرد؛ آنچه هم که این وسط به حساب نمی‌آید «منافع ملی» است.

۲- بارها شنیده‌ایم «هنر ایران، سرآمد هنر منطقه است»؛ اما این روایت فروتوانه یک واقعیت بیرونی است؛ زیرا هنر ایران از حیث کیفیت و نیز گستره‌های کمیتی مانند: زنان هنرمند، جوانان تحصیلکرده... از خیلی از کشورهای اروپایی و آمریکایی هم جلوتر است؛ اما ما از این «فرصت طلایی» بهره‌ای نمی‌بریم؛ نفت؛ که محصول رو به اتمامی است را به سادگی می‌فروشیم اما از فروش آثار هنری‌مان که در واقع آورده و هزینه چندان‌ی ندارد غافلیم؛ کافی است ره‌آوردهای مالی اقتصاد هنر در هالیوود، کن، ۳۳فستیوال در شش‌ماه در کراکف لهستان، گردش مالی تئاتر آوینیون فرانسه، مجسمه‌سازی کررا ایتالیا یا اقتصاد موسیقی وین اتریش... را ضرب و تقسیم ساده کنیم و دریابیم چه سرمایه عظیمی را در رقابت‌های سیاسی و بحران‌سازی برای یک‌دولت اتلاف می‌کنیم.

لطفاً به‌خاطر ایران و ایرانی و ساحت مقدس هنر، آب را بیش از این گل نکنیم.

زیر آسمان فیروزهای

اصغر فرهادی:

به فکر درست‌کردن ویترین برای فیلم کوتاه‌ناشید

● اصغر فرهادی در حاشیه جشنواره سینمایی «اروند»، در مورد ترس‌ها و دغدغه‌های خود هنگام نگارش فیلمنامه گفت و به جوانان توصیه کرد که به فکر درست‌کردن ویترین برای فیلم کوتاه نباشند. به گزارش مهر، اصغر فرهادی، کارگردان ایرانی که با گرفتن جایزه اسکار در عرصه بین‌المللی نیز شناخته می‌شود، در حاشیه برگزاری پنجاه و دومین جشنواره منطقه‌ای انجمن سینمای جوان «اروند»، نشست تخصصی «فیلمنامه‌نویسی» برگزار کرد. فرهادی صحبت‌هایش را از روزهای جوانی خود آغاز کرد: «من سینما را از ۱۳سالگی با ساخت فیلم کوتاه آغاز کردم و زمانی که برای برگزاری این نشست دعوت شدم خیلی فکر کردم که از کجا باید شروع کنم تا روند برگزاری این کارگاه به بیان تجربه‌های شخصی خود معطوف نشود. بنابراین بهتر دیدم درباره دغدغه‌ها یا بهتر بگویم درباره ترس و دلهره هنگام نگارش فیلمنامه صحبت کنم.»او با این مقدمه در مورد نگارش فیلمنامه گفت: «آنچه هنگام ساخت فیلم‌های کوتاه مرا دچار دلهره می‌کرد این بود که چگونه به همه امور اشراف داشته باشم چون از زبان فیلمسازان بسیاری در گفت‌وگوهایی که می‌خواندم، دریافته بودم که به همه امور آگاه هستند.»کارگردان «درباره‌الی» در مورد تکنیک نیز عنوان کرد: «بخش دیگر، ترس از تکنیک و چگونگی کار با ابزار بود اما بعدها به تجربه دریافتم بسیاری از فیلمسازان خودشان هم نمی‌دانند چه اتفاقی می‌افتد که پازل سینمایی که تصویر می‌کنند به‌درستی کنار هم چیده می‌شود. به نظر من این چینش بخش ناخودآگاه و غریزه آنهاست و این ناخودآگاه بیش از هر عنوانی سرمایه عاطفی و احساسی است که از کودکی فیلمساز می‌آید.»کارگردان «گذشته» افزود: «در همه فیلمنامه‌هایی که نوشته‌ام آلمان‌های مشترکی وجود دارد که در هریک از آثارم بدون اینکه من دخل‌وتصرفی داشته باشم به‌نوعی تکرار می‌شود. به‌عنوان مثال در فیلمنامه و فیلم‌هایی که می‌سازم یک آدم آرام وجود دارد که همواره سکوت کرده است، بعد با خودم فکر کردم که این کاراکتر از کودکی من آمده است به این معنا که آدمی با این مشخصات در کودکی من وجود داشته است یا اینکه یک دختر نوجوان وجود دارد که در همه فیلم‌های من حضور دارد و نام‌هایی چون فیروزه، الی، روحی و ریحانه داشته‌اند.»

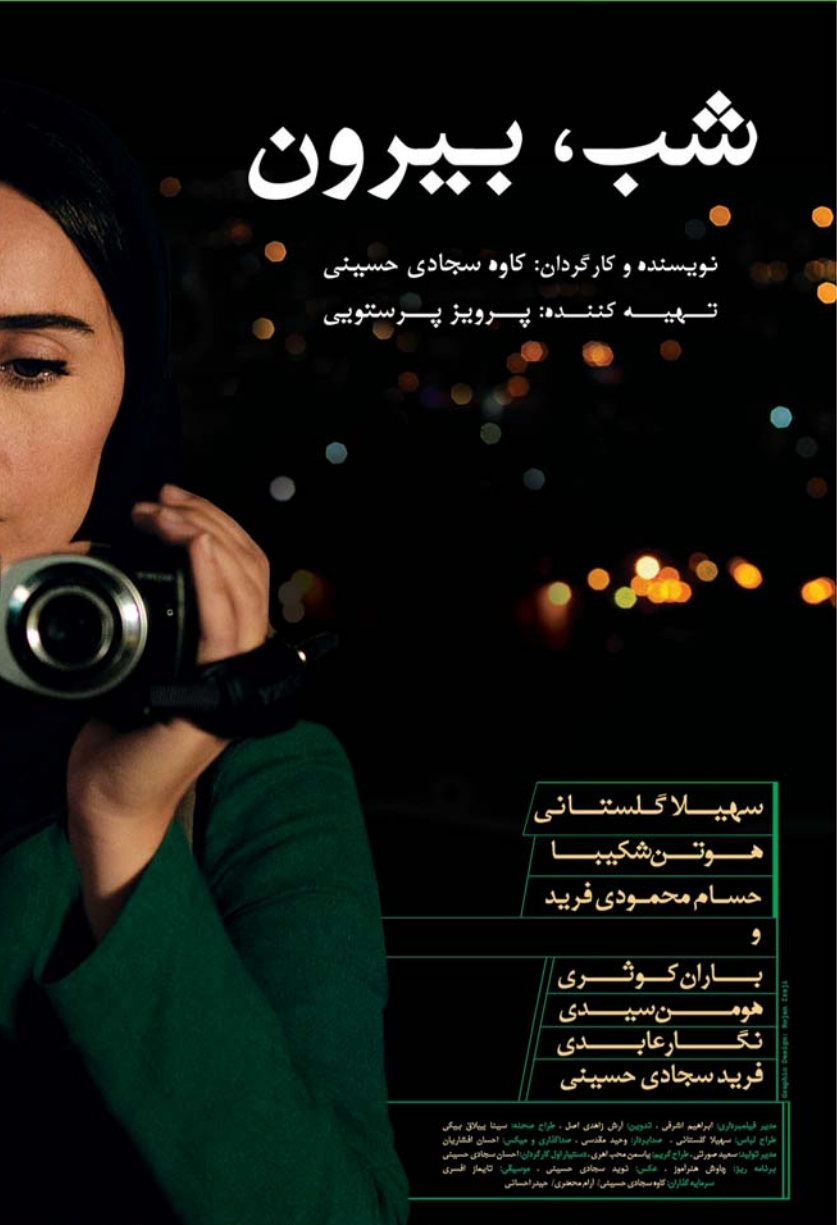
پیکر عاشق سینما به خاک سپرده شد

وداع با زاون قوکاسیان



عکس: بهروز ملیپوساف

بود و با جشنواره کودک و آموزش سینمایی، نسلی جدیدی از سینماگران را به سینمای کشور معرفی کرد. زاون قوکاسیان لحظه‌لحظه عمرش را خرج سینما کرد.»به گزارش ایسنا در ادامه علیرضا رضاداد، دبیر جشنواره فیلم فجر به نمایندگی از سازمان سینمایی اظهار امیدواری کرد: «آنچه زاون قوکاسیان به‌عنوان یکی از استادان مسلم سینما در طی سال‌های عمرش در سینما کاشته است، نهالی موثر باشد تا حوزه فرهنگ و هنر کشور از آن، هرروز گلی بچیند.»رضاداد افزود: «زاون در کسوت یک استاد، هنرمند و معلم همواره قوی‌ترین و بهترین کارهایش را رایاه داده، به همین دلیل است که نقدهای او سازنده و گفته‌های او همه هنر است. سند عمر قوکاسیان تعداد زیادی هنرمند است که امروز در عرصه سینما و در آینده در عرصه فیلمسازی هنرنامایی خواهند کرد و بی‌شک کار او را ادامه خواهند داد.»او خاطرنشان کرد: «او کاری از خود به‌جا گذاشته که عین اصول حرفه‌ای‌گری است و متأسفانه ما امروز کسی را از دست داده‌ایم که در سینمای امروز که قدری اصولش تخریب شده است، می‌توانست پایه‌گذار اصول باشد.»محمدرضا اصلانی، مستندساز شناخته شده نیز با اشاره به جمعی از دانشجویانی که در این مراسم با روبان سفید عکس زاون قوکاسیان را بر گردن خود انداخته بودند، گفت: «من نماینده این روبان‌های سفید هستم؛ زاون در شما جاری است و شما راهش را ادامه می‌دهید، همان‌طور که خودش با صبوری راهش را پی گرفت.»همچنین پیام رسول زرگرپور، استاندار اصفهان هم قرائت شد و سیدمهدی سیدین‌نیا، رئیس حوزه هنری اصفهان سخنرانی کرد. شاهزیدی، شاکرد تاج اصفهانی دقایقی برای «زاون» آواز خواند.



aecinema.ir

cinematicticket.org